

## مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی و نسبت آن با حق شهروند» آلهه السادات قندریز<sup>۱</sup>، حسین مهرپور<sup>۲\*</sup>، عباس کریمی<sup>۳</sup>

### چکیده

موضوع فوت فرصت و امکان یا عدم امکان خسارت ناشی از آن یکی از مباحث مهم مسئولیت مدنی است. ولی هنوز در حقوق موضوعه ایران هیچ نص خاص و روبه قضایی در این مورد موجود نیست. وقتی موضوع فوت فرصت ناشی از عملکرد نهادهای تابعه دولت مطرح می‌شود؛ این خلأ حقوقی به شکلی آشکارتر خودنمایی می‌کند. مفهوم مسئولیت تبعی دولت برای رفع این خلأ حقوقی راه گشا است. هرچند در نگاه اول، تعارض بین اصل نهادین شخصی بودن مسئولیت با مسئولیت تبعی دولت نمایان می‌شود؛ اما طرح دو استدلال مشخص، قادر به رفع این تعارض است؛ آن استدلال‌ها عمدتاً مبتنی بر وظایف ذاتی و نیز مکانیزم‌های در اختیار دولت هستند. مسئولیت تبعی دولت بر اساس قواعد و مقررات مصوب داخلی و بین‌المللی است. همچنین در نظام حقوقی اسلام نیز مسئولیت تبعی زمامدار، مورد توجه و تأکید است. مستخرج از اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی بایستی عرضه یک مدیریت آموزشی کارا، مؤثر و فراگیر را بخشی از وظایف حکمرانی دولت دانست، یعنی عرضه مجموعه‌ای منسجم از دانش حاصل از کاربرد روش علمی به‌منظور توصیف خصوصیات و تبیین عناصر سازمانی و روابط فی‌مابین آن‌ها در سازمان‌های آموزشی از وظایف دولت ایران است. حال اگر شهروندان در اثر عدم کارایی مدیریت آموزشی نهادهای دولتی دچار فوت فرصت و زیان ناشی از آن شده باشند؛ دولت در برابر آن موارد نیز مانند سایر موضوعات مشابه مسئولیت مدنی دارد. در این موارد هم می‌توان با استناد به استدلالات عرضه‌شده در مقاله حاضر خلأ حقوقی را مرتفع ساخت.

**کلمات کلیدی:** فوت فرصت، دولت، مسئولیت مدنی، شهروند، مدیریت آموزشی

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی

<sup>۲</sup> - استاد، گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> - استاد، گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران

## مقدمه

در اختیار داشتن فرصت‌های آموزشی در جهان جدید یکی از مهم‌ترین نیازهای افراد جامعه است. شاید بر این اساس است که اصل سی قانون اساسی جمهوری اسلامی هم دولت ایران را موظف ساخته است تا «وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد».

بر اساس تفسیر شورای نگهبان از این اصل دولتی بودن آموزش و پرورش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی استفاده نمی‌شود.<sup>۱</sup> لذا از این تفسیر می‌توان دریافت که عمده نقش دولت، مدیریت و سازمان‌دهی کلان آموزش کشور، اعم از ایجاد و مدیریت نهادهای آموزش دولتی و نیز نظارت بر نهاد آموزش خصوصی در ذیل یک مدیریت کلان است. بر این منوال همچنان می‌توان دریافت که وظیفه اصلی دولت بیش از تصدی و اجرای آموزش، مدیریت کلان آموزشی کشور، اعم از طراحی استراتژی‌های عمده آموزشی و تسهیل اجرای صحیح آن است.

هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، دینی و اجتماعی خود تربیت کرده و انسانی متناسب تحویل جامعه دهد. اهداف آموزش و پرورش سه نقش مهم در مدیریت آموزشی ایفا می‌کنند: اولاً به فراگرد آموزش و پرورش جهت می‌دهند، ثانیاً انگیزه‌ی حرکت و فعالیت را به وجود می‌آورند و ثالثاً ملاک‌های کنترل و ارزشیابی فعالیت‌های آموزشی را ایجاد می‌نمایند.<sup>۲</sup>

اگر دولت بر اساس وظایف خود، راهبردهای صحیح را اتخاذ کند و نهادهای دولتی در اجرای آن مسئولیتشان را به انجام رسانند؛ شهروندان فرصتی را که قانون‌گذار برای آموزش همگانی ایشان در نظر گرفته است را به دست خواهند آورد و از مواهب آن برخوردار خواهند شد.

انسان همواره درصدد بهترین استفاده از فرصت می‌باشد و شاید هیچ شخصی نباشد که به خاطر عدم استفاده به‌موقع از موقعیت، خود را سرزنش نموده باشد و حسرت فرصت‌های ازدست‌رفته را نخورده باشد. مسئولیت از دست دادن فرصت، ذهن انسان‌های عدالت‌خواه و منصف را در جهت قابل جبران بودن آن به تکاپو واداشته و سعی به توجیه آن نموده‌اند. به قسمی که قوانین و رویه‌های قضایی متعددی در زمینه‌های گوناگون در جهت پذیرش این حق در کشورهای مختلف در جهت حمایت از افراد وضع گردیده است.

<sup>۱</sup> - نظریه تفسیری شورای نگهبان (شماره ۵۵۷۸، مورخ ۸/۲/۱۳۶۰)

<sup>۲</sup> - جهانیان، رمضان؛ مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، کرج، سرفراز، ۱۳۸۷، چاپ اول، ص ۲۷.

مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...»<sup>۱</sup> ۱۰۱ در اختیار داشتن فرصت کسب آموزش یکی از حقوق روشن شهروندان است و اگر نهادهای دولتی با قصور خود باعث از دست رفتن این فرصت بشوند مسلماً در برابر صاحبان حق مسئول هستند. هرچند در نظر اول بر اساس اصل مشترک در بسیاری از نظام‌های حقوقی هر کس مسئول افعال خویش است و مسئولیت و ضمانی نسبت به عواقب افعال زیان‌بار دیگران ندارد خواه مبنای ضمان عقد و یا شبه عقد باشد یا ضمان به واسطه‌ی افعال و رفتار زیان‌بار غیر قراردادی و جرم و شبه جرم حاصل شده باشد. اما به عنوان استثنایی بر این اصل در شرایط خاصی فرد اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به فعل زیان‌بار دیگران مسئولیت می‌یابد<sup>۲</sup> که از آن به عنوان مسئولیت تبعی یا قایم مقامی<sup>۳</sup> نام برده می‌شود.

گرچه تا مدت‌ها اقتدار مطلق دولت‌ها باعث شده بود که حکومت‌ها برای اقدامات حکومتی و اعمال حاکمیت مسئولیتی عملی در برابر شهروندان شان نداشته باشند اما مطالعه سیر تحول پارادایم‌های حقوقی نشان می‌دهد که این نظریه آرام آرام رو به زوال گذاشته و حکومت‌ها در قوانین مصوب و رویه‌های قضایی خود، دولت را در ردیف اشخاص حقوقی دیگر مسئول جبران ضررهای ناشی از اعمال حکومتی دانستند.

ما در مقاله حاضر می‌کوشیم تا با تبیین مفهوم حقوقی فوت فرصت و با در نظر داشت فرصت آموزش همگانی به عنوان حق شهروندان به بررسی "مسئولیت تبعی و قایم مقامی دولت"<sup>۳</sup> در از دست رفتن فرصت آموزش همگانی شهروندان در اثر سوءمدیریت و قصور نهادهای دولتی و زیان ناشی از فوت فرصت آموزشی شهروند بپردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم که تعارض مسئولیت شخصی افعال با مسئولیت تبعی دولت چگونه حل می‌شود.

#### ۱- تعریف زیان ناشی از فوت فرصت

جهت ورود به بحث به‌منظور فهم کلام، شایسته آن است تعریفی از زیان ناشی از فوت فرصت ارائه دهیم.

#### تعریف لغوی زیان فوت فرصت

عبارت زیان فوت فرصت از سه کلمه ضرر، فوت و فرصت تشکیل شده است که به توضیح معانی تک تک واژه‌ها پرداخته میشود:

(ضرر)

---

<sup>1</sup> -liability for the acts of others

<sup>2</sup> -Vicarious Liability

<sup>3</sup> -State Vicarious Liability

۱۰۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی - سال دوازدهم، شماره سوم، بهار ۱۴۰۰

الضَّرُّ و با ضمه الضَّرُّ: زیان، خسارت، ضد نفع و به حالت مفتوح الضَّرُّ مصدر و با ضمه الضَّرُّ اسم است.

ضَرَّةٌ، ضَرَّ بِهِ و أَضَرَّهُ و ضَارَّهُ: به او زیان رساند، ضرر زد.  
مُضَارَّةٌ و ضِرَاراً و الضَّارُّوَاءُ: قحطی و سختی، زیان و بدحالی.  
کلماتی مانند الضَّرُّ و التَّضَرُّه و التُّضَرُّه به معنی خسارتهای و زیانهائی هستند که به اشیاء وارد می‌شود.

الضَّرَّاءُ: قحطی و سختی و رنج، کاهش اموال و جانها و کلماتی مانند الضَّرَّه و الضَّرَّاه در این مورد به کار می‌روند.

الضَّرُّ: تنگنا و تنگ و روزنه ورودی غار.  
المُضِرُّ: شخص زیان رسان و الضَّرَّه: بدحالی و آزار و اذیت.<sup>۱</sup>

(فوت)

فَاتَهُ الْأَمْرُ فَوْتًا وَ فَوَاتًا: آن کار از دست او برفت یا بشد.  
أَفَاتَهُ: آن چیز، کس یا کار از دست او برفت.  
أَفَاتَهُ أَيَّاهُ غَيْرُهُ: کسی موجب هلاک او گردید.  
مَوْتُ الْفَوَاتِ: مرگ ناگهانی  
فَوْتُ فَمِهِ: بیروزی شدن  
فَوْتُ رُمَحِهِ: بی سلاح شدن  
فَوْتُ يَدِهِ: ناتوان و بی یاور شدن  
تَفَاوَتَ الشَّيْآنُ تَفَاوُتًا: میان آن دو چیز اختلاف و فاصله بود و می‌توان تفاوت را با کار برد هر سه حرکت بر بالا و زیر واو تلفظ کرد و صاحب نظر می‌گوید اگر چنین بود بهتر بود.  
تَفَوَّتَ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ: به مال و ثروت او دست دراز می‌کرد.<sup>۲</sup>

(فرصت)

فَرَصَهُ: آن چیز را تکه تکه کرد، پاره کرد.  
أَصَابَ فَرِيصَتَهُ: بر گوشت و ماهیچه زیر کتف او زد.

<sup>۱</sup> - الفیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، معجم القاموس المحيط، الطبع الثالثه، بیروت، دارالمعرفه للطباعة و النشر، ۲۰۰۸، ص ۷۷۴.  
<sup>۲</sup> - همان، ص ۱۰۱۶.

مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...» ۱۰۳

الْفُرْصَةُ: سنگ ریزه

الْفُرْصَةُ: بادی که باعث ایجاد تپه ها میشود. گوژپستی

الْفُرْصَةُ: نوبت، نوبت آبیاری

أَفْرَصَتْهُ الْفُرْصَةُ: فرصت انجام کاری را یافت.

أَفْرَصَهَا: فرصت را غنیمت شمرد.

الفِرَاصُ با کسر الفاء: سخت شدید، قرمز پررنگ، همچنین به پدربزرگ عمرو بن احمد شاعر نیز این لقب را داده اند.

ما علیه فِرَاصُ: لباسی بر تن او نیست.

تَفْرِیضُ أَسْفَلُ النَّعْلِ: با آهن نوک تیز بر کف کفش نقش و نگار انداخت.

المُفَارَصَةُ: با کسی در چیزی نوبت گذاشتن.

تَفَارَصُوا: آن قوم و قبیله به نوبت از چاه آب سهم خود را بردند.<sup>۱</sup>

#### ۱-۲- تعریف اصطلاحی زیان ناشی از فوت فرصت

انسان همواره درصدد بهترین استفاده از فرصت هاست و شاید هیچ شخصی نباشد که به خاطر عدم استفاده ی به موقع از فرصت، خود را سرزنش نکرده باشد و حسرت فرصت‌های ازدست‌رفته را نخورده باشد. همچنین بررسی هدر رفتن این فرصت ها توسط دیگری است. به عنوان مثال شخصی که در کنکور ورود به دانشگاه ثبت نام کرده و آماده ی رقابت شده در روز امتحان در اثر تصادف، مصدوم شده و از شرکت در امتحان محروم می‌شود و شانس قبولی در دانشگاه را از دست می دهد و یا مرضی برای درمان بیماری خود به پزشک مراجعه می‌کند و در اثر تقصیر پزشک و عدم تشخیص به موقع نوع بیماری، شخص فرصت معالجه را از دست می دهد. آیا شخصی که این نوع فرصت ها را از دست می دهد می‌تواند مطالبه ی خسارت کند؟<sup>۲</sup>

نظریه «فرصت ازدست‌رفته» به دنبال جبران خسارت ناشی از تفویت فرصتهای ارزشمند افراد است. این فرصتها میتواند منصرف به تحصیل منفعتی در آینده یا دفع ضرری در آینده باشد به عبارت دیگر، این نظریه، با ارج نهادن بر فرصتهایی که انسان‌ها در زندگی به دست می‌آورند و قرار دادن آنها در دامنه داراییهای ارزشمند انسانها، در صدد جبران خسارت ناشی از تفویت این فرصتهای گرانبقدر

<sup>۱</sup> - همان، ص ۹۸۷.

<sup>۲</sup> - بهاری اردکانی، ابوالفضل، سلیمیان، ابوالفضل، هاشمی باجگانی، جعفر، مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست رفته، فصلنامه ی ی مجلس و راهبرد، سال ۲۳، شماره ی ۸۶، تابستان ۱۳۹۵، ص ۲.

است. به موجب این نظریه همان طور که ائتلاف (بالمباشره یا بالتسبیب) داراییهای ملموس افراد، یا سرمایه های عاطفی آنها مسئولیت زاست، تفویت فرصتهای پیش آمده برای افراد نیز مسئولیت زا بوده و عامل زیان باید از عهده جبران آن بر آید. فرصت تفویت شده میتواند منصرف به تحصیل نفعی در آینده یا اجتناب از ضرری در آینده باشد. با توجه به اینکه نفع ممکن است به شکل مادی و یا معنوی باشد،

فرصتی که برای تحصیل منفعت یا دفع ضرر از دست می رود نیز می تواند ناظر به منافع یا ضررهای مادی<sup>۱</sup> یا معنوی<sup>۲</sup> افراد باشد.<sup>۳</sup> بدین معنا که فرصت کسب نفع و به تبع، تفویت فرصت کسب نفع هم ممکن است به شکل تفویت فرصت کسب نفع مادی یا معنوی باشد. تفویت فرصت کسب نفع مادی هنگامی است که شخص از امکان به دست آوردن یک نفع مالی مثلاً کسب یک مال، محروم شود. تفویت فرصت کسب نفع معنوی هم مانند اینکه شخص به واسطه دیر چاپ شدن کتابش توسط ناشر از شانس معرفی شدن به عنوان مولف نمونه محروم گردد.

به همین منوال تفویت فرصت اجتناب از ضرر هم ممکن است به شکل تفویت فرصت اجتناب از ضرر مادی یا معنوی یا جسمی باشد. فرصت اجتناب از ضرر مادی مثل باعث شدن از بین رفتن شانس خاموش کردن آتش که بر مال کسی افتاده باشد. تفویت فرصت اجتناب از ضرر معنوی هم مثل اینکه کارمندی به یک تخلف انضباطی محکوم شده باشد و به واسطه مداخله خوانده مثلاً تصادف با اتومبیل حامل نامه های پستی و از جمله اعتراض وی، لایحه تجدید نظر مشارالیه به موقع به مرجع تجدید نظر نرسد و محکومیت انضباطی مذکور قطعی شود.<sup>۴</sup> تفویت فرصت اجتناب از ضرر جسمی نیز، مثل اینکه در اثر تقصیر پزشک و عدم تشخیص به موقع او، مریض، فرصت معالجه را از دست بدهد و دچار معلولیت گردد.

<sup>۱</sup> - ضرر مادی: خسارت وارده به فرد زیان دیده در اثر از دست دادن مال شامل: اموال منقول و غیرمنقول.

(صاحب عبید، الفتلاوی، مصادر الالتزام، مطبعه دار الجمال، الطبعه الاولى، عمان، ۲۰۱۴، ص ۴۲۳).

<sup>۲</sup> - آن آسیبی است که قربانی به واسطه آسیب دیدن احساسات، عواطفش یا منزلت و شهرت و موقعیت اجتماعی اش یا اعتبار مالی اش به او وارد می شود، (همان، ص ۴۲۴).

<sup>۳</sup> - امینی، منصور و ناطق نوری سوده، «مطالعه تطبیقی نظریه از دست دادن فرصت» بررسی اجمالی حقوق اروپا و ایالات متحده امریکا»، پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، ص ۲۲.

<sup>۴</sup> - شم آبادی، حسن، «مسئولیت مدنی تفویت فرصت در حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۹۷.

مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...» ۱۰۵  
به منظور بررسی جایگاه اخلاقی ضرر ناشی از فوت فرصت در حقوق ایران در ابتدا باید این نظریه  
را در فقه اسلامی که ریشه در حقوق ایران دارد به اثبات رساند سپس ارتباط منطقی بین جایگاه  
اخلاقی این نظریه را با فقه به منظور ورود در حقوق ایران بررسی نمود.

### ۱-۳-۱- جایگاه نظریه از دست دادن فرصت در فقه اسلامی و حقوق ایران

به منظور نتیجه گیری شایسته و دقیق از آنجا که فقه مهم ترین منبع حقوق مدنی کشور ما است  
سابقه و جایگاه موضوع را در فقه اسلامی بررسی نموده و چنانچه پذیرش این نظریه به لحاظ فقهی  
بلا اشکال باشد با توجه به قبول این نظریه در حقوق کشورهای دیگر و سازگاری آن با قواعد انصاف  
و عدالت، پذیرش این در حقوق موضوعه هم با اشکال مواجه نخواهد بود.

#### ۱-۳-۱- پذیرش نظریه ی «از دست دادن فرصت» در فقه اسلامی

در فقه اسلامی نص صریحی در این باره وجود ندارد و فرعی هم که مستقلاً به این موضوع  
پرداخته باشد دیده نمی شود اما در خصوص عدم النفع نظرات زیادی را بیان داشته اند که نزدیک ترین  
مفهوم به از دست دادن فرصت است. در این مورد نیز اختلافات زیادی دیده می شود و در مورد تفویض  
عدم النفع مسلم گاه به طور صریح و گاه به صورت برداشت از مطالب فقها چنین به دست می آید که  
آن ها با پذیرش این نوع مسئولیت به نوعی از دست دادن فرصت را پذیرفته اند. همچنین از دست  
دادن فرصت به خودی خود ضرری مستقل و جدای از زیان نهایی در نظر گرفته می شود. در این  
فرض دیگر صحبت از زیان آینده یا عدم النفع نیست، بلکه اگر نفس از دست دادن فرصت را ضرر  
بدانیم، وجود ضرر بالفعل است نه مربوط به آینده.<sup>۱</sup> به منظور پاسخ به این سوال که آیا می توان از  
منظرگاه فقه «از دست دادن فرصت» را ضرر دانست، باتوجه به تعریفی که از آن در فقه شده است،  
آنچه شارع مقدس متکفل بیان آن است و فقیه تلاش می کند از روی ادله تفصیلی آن را استنباط  
نماید احکام شرعی است که عارض بر موضوعات اند و موضوعات هر چند ممکن است شرایط آن در  
شرع بیان شود ولی اینکه کی موضوع تحقق میابد تا حکم آن ثابت شود یک امر ماهوی است و  
معمولاً با استعانت از عرف معین می گردد.

زیرا تشریح در اختیار شارع است و او می تواند هر حکمی را جعل کند ولی امور ماهوی و تکوینی  
قابل جعل و تشریح نیستند. در مورد بحث آنچه شارع مقدس بیان داشته این است که هرگاه ضرری

---

<sup>۱</sup> - بهاری اردکانی، ابوالفضل، سلیمیان، ابوالفضل، هاشمی باجگانی، جعفر، «مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست  
دست رفته»، فصلنامه ی مجلس و راهبرد، سال ۲۳، شماره ی ۸۶، تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۰.

واقع شود باید جبران گردد و یا هر حکم ضرری نفی می‌شود. (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) اما اینکه موضوع ضرری چیست، در شرع نیامده است، پس باید به استعانت از عرف یا کتب لغت هم که ناشی از عرف است آن را مشخص نمود. نراقی به ویژه در خصوص تعیین موضوع ضرری و تبیین مفهوم آن به صراحت بیان داشته است که برای تعیین اینکه چه چیزی ضرر است و چه چیزی ضرر نیست، باید به عرف مراجعه نمود. همین فقیه در ادامه سخن خود در این باره می‌نویسد: «پس بر فقیه است که برحسب موارد آن را بررسی کند و هرگاه از نظر عرفی احراز کرد که عنوان ضرر صادق است، کم یا زیاد بودن آن تفاوتی در ضرر نمی‌کند.»

مکارم شیرازی یکی دیگر از فقهای معاصر در تعیین مفهوم ضرر بعد از بیان لغوی آن مینویسد: «در این فرض که معنای لفظ، نزد عرف روشن است، رجوع به لغت، بر فرض حجیت قول لغوی مشکل است، پس باید به ذهن خود یا اهل عرف، رجوع نمود و معنای ضرر را معین کرد.»<sup>۱</sup> همچنین امام خمینی (ره) می‌فرماید: ضرر دارای مفهوم عرفی است.<sup>۲</sup>

باتوجه به آنچه ذکر شد معلوم میشود که مفهوم ضرر یک مفهوم عرفی است و برای تعیین موضوع ضرری باید به عرف مراجعه نمود. در فرض مسئله یعنی «از دست دادن فرصت» عرف آن را ضرر میداند، زیرا این نوع فرصتها از لحاظ عرفی دارای ارزش و قابل تقویم به پول میباشند به این سبب اشخاص حاضرند در برابر آن، هزینه های مادی و معنوی صرف کنند. مثلاً بیماری که فرصت معالجه و درمان را دارد، نفس اینکه تحت درمان قرار گیرد برای او اهمیت دارد و مایه ترضیه خاطر اوست از این رو حاضر است هزینه بالای آن را تحمل کند، هرچند ثمربخش بودن درمان، به‌طور معمول احتمالی باشد.<sup>۳</sup> برخی فروع فقهی وجود دارد که نشان دهنده آشنایی به مفهوم و مورد پذیرش قرار گرفتن مسأله نزد فقها است. در عقود مضاربه و جعاله اگر حسب مورد، مالک یا جاعل عقد را قبل از به دست آمدن سود یا انجام عمل فسخ نماید بایستی اجرت المثل عامل را پرداخت نماید؛<sup>۴</sup> که در این جا میزان خسارت برابر با اجرتالمثل اعمالی است که وی انجام داده است در واقع میزان ارزش

<sup>۱</sup> - کاظمی، محمود، «نظریه از دست دادن فرصت در مسئولیت مدنی»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۳، پائیز ۱۳۸۰، صفحه ۲۱۸.

<sup>۲</sup> - موسوی خمینی، روح ا...، بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۴۱۵ ه. ق، ص ۶۱ (اما معنی "الضرر" فیهو معروف لدی العرف).

<sup>۳</sup> - کاظمی، محمود، همان، ص ۲۱۹.

<sup>۴</sup> - عاملی، محمد بن مکی، معروف به شهید اول: لمعه دمشقیه فی فقه الامامیه (به تصحیح محمد تقی و علی اصغر مروارید)، دارالتراث و درالاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۰، بیروت، ص ۸۹، عاملی، محمدبن جمال الدین مکی، مترجم، محمود محسنی، لمعه دمشقیه، جلد اول، انتشارات پیام نوآور، چاپ اول.



مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...» ۱۰۷ کاری که از دست رفته، معیار سنجش ضرر ناشی از این اقدام است. در این جا مالک با فسخ عقد باعث تفویض فرصت تحصیل سود شده است.<sup>۱</sup>

### ۱-۳-۲- جایگاه نظریه از دست دادن فرصت در حقوق ایران

علیرغم اینکه در فقه به نظریه تفویض فرصت به روشنی، شفاف و گسترده عنایت و توجه نشده است و علیرغم تأثیر این امر به حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران ولی باتوجه به سکوت قانون و فقدان رویه قضایی و جایگاه این موضوع در فقه و این که از لحاظ فقهی نه تنها در قابلیت جبران این نوع خسارات اشکالی وجود ندارد بلکه این امر چنانچه که در بحث فقهی بیان کردیم موافق اصول و قواعد فقهی است به نظر میرسد میتوان این نظریه را در حقوق ایران پذیرفت. در این راستا اگرچه بحث تفصیلی از مبانی و چهارچوب جبران خسارت ناشی از تفویض فرصت در کتاب حقوقی دیده نمیشود لیکن برخی از حقوقدانان ایرانی در برخی فروع، این نظریه را مقبول دانسته و در این باب نظرات گوناگون و راه حل‌هایی را برای حصول توأمان به نظم و عدالت پیشنهاد نموده‌اند و بیان میدارند: در حقوق پاره‌های کشورها از دست دادن امکان و اقبال دستیابی به منفعت یا رفع ضرر را قطع نظر از درجه احتمال ورود خسارت، ضرر شناخته‌اند؛ بدین ترتیب گفته‌اند: از دست دادن چنین امکانی به خودی خود ضرر است، ولی میزان خسارت بستگی به درجه احتمال ورود آن دارد. پس اگر وکیلی به موقع دادخواست پژوهش از حکم محکومیت موکل ندهد، باید به لحاظ از بین بردن احتمال نقض حکم در دادگاه بالاتر به موکل خسارت دهد. همچنین است کسی که مانع از شرکت اسبی در مسابقه شود یا از حضور بازرگانی در مجلس مزایده جلوگیری کند.

ولی پذیرفتن این نظر در حقوق ما دشوار است، زیرا اگر قبول کنیم که ورود خسارت باید احراز شود یا قرینه معقولی بر ورود آن وجود داشته باشد، نمی‌توان تخلف وکیل را بدون توجه به آثار احتمالی آن باعث مسئولیت مدنی شمرد؛ یعنی باید گفت وکیل در صورتی مسئولیت دارد که احتمال نقض حکم بیش از تأیید آن باشد. به همین ترتیب، کسی که مانع از شرکت اسبی در مسابقه میشود، در صورتی خسارت میدهد که ظن قوی بر برنده شدن آن اسب، در شرایط متعارف، وجود داشته باشد.

باوجود این در مواردی که امکان استفاده از موقعیتی در عرف ارزش خاص دارد، مانند بلیط بخت آزمایی، از بین بردن این موقعیت ضرری است مسلم که باید جبران شود.<sup>۲</sup>

روی سخن این اساتید متوجه تفویض فرصت زیان مادی است به قسمی که در برخی مثالها ممکن است فرصت تفویض شده، دارای ارزش مالی بوده و مالیت<sup>۱</sup> داشته باشد، این جاست که تفویض آن

<sup>۱</sup> - امینی، منصور و ناطق نوری سوده، «مطالعه تطبیقی نظریه از دست دادن فرصت» بررسی اجمالی حقوق اروپا و ایالات متحده امریکا، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، ص ۳۱.

<sup>۲</sup> - کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۸۳، ص ۴۸.

بیتردید یک زیان مادی است به گونه‌های که در همین مثال وارده، بلیط بخت آزمایی فرصتی است که برای تحصیل آن پول پرداخت شده است و در عرف چنانچه بیان شد دارای ارزش مادی و قابل خرید و فروش است بنابراین از آنجا که امکان استفاده از این موقعیت در عرف ارزشمند است، از بین بردن این موقعیت ضرری است مسلم که باید جبران شود.<sup>۲</sup>

در حقوق مدنی پاره احکام وجود دارد که بعضاً براساس ارزش دار و بایسته جبران بودن خود فرصت تفویض شده و تلقی آن به عنوان زیان مادی قابل تحلیل بوده یا تحلیل شده است؛ از جمله ماده ۵۶۵ قانون مدنی که مقرر داشته است: «جعاله تعهدی جایز است و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است، هر یک از طرفین می‌توانند رجوع کنند، ولی اگر جاعل در اثناء عمل رجوع نماید، باید اجرت‌المثل عمل عامل را بدهد».

در این مورد اجرت‌المثل عامل جعاله بر مبنای از دست دادن فرصت، قابل توجیه است؛ زیرا فسخ جاعل (متعهد به دادن اجرت یا پاداش) فرصت عاملی را که کار یا هدف مورد نظر را دنبال می‌کرده است، از بین می‌برد و فی الواقع، میزان ارزش کاری که از دست رفته، معیاری برای سنجش و تقویم خسارات ناشی از این اقدام است. در این موارد، مبنای التزام جاعل به پرداخت اجرت‌المثل، قرارداد اجاره نیست؛ جبران زیان وارده به عامل و نوعی مسئولیت مدنی است.<sup>۳</sup> مبنای مسئولیت جاعل در این مورد خطای او نیست؛ زیرا بر طبق حقی رفتار کرده که قانون به او داده است و حتی اگر بهانه‌ی مشروعی هم برای انصراف خود داشته باشد، باید اجرت‌المثل مقرر را بپردازد. در واقع، قانونگذار برای جبران ضرر عامل برای جاعل مسئولیت عینی به وجود آورده است، سببیت عرفی را کافی شمرده بی آنکه در اندیشه احراز تقصیر جاعل باشد.<sup>۴</sup>

چنانکه برخی از حقوقدانان تصریح و بیان کرده اند ممکن است خود تفویض فوت فرصت کسب نفع یک زیان معنوی تلقی شود؛ مثلاً کسی که بیش از یک سال برای موفقیت در کنکور ورودی دانشگاه تلاش نموده است و احتمال قبولی وی در کنکور و در رشته مورد علاقه‌اش بر حسب آزمونهای پیش کنکور تقریباً مسلم بوده است اگر به واسطه فعل زیانبار خواننده فرصت شرکت در

<sup>۱</sup> - مال چیزی است که قابل استفاده بوده و ارزش مبادله‌ی اقتصادی و داد و ستد داشته باشد. (صفایی،

سیدحسین، حقوق مدنی، اشخاص و اموال، جلد اول، میزان، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱.)

<sup>۲</sup> - کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، الزامهای خارج از قرارداد، جلد اول، قواعد عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۹۳، ص ۲۸۴.

<sup>۳</sup> - صالحی، حمیدرضا، مسئولیت مدنی ناشی از فرآیند درمان، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳، صفحه ۳۰۵.

<sup>۴</sup> - کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، دوره عقود معین، مشارکتها-صلح، جلد دوم، گنج دانش، چاپ پنجم، تهران،

مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...» ۱۰۹  
مسابقه ورودی دانشگاه را از دست بدهد و بالاخص اگر شرکت مسابقه مزبور آخرین نوبتی باشد که بر  
حسب شرط سنی وی امکان شرکت در مسابقه را دارد بی تردید چنین شخصی متحمل زیان معنوی  
ناشی از دست رفتن فرصت شرکت در مسابقه خواهد شد. در این جا دانشجویی که در آستانه پذیرش  
در جامعه وکالت یا پزشکی است، بیاعتنایی به چنین نفعی به بهانه احتمال از دست رفتن زمینه ایجاد  
(مقتضی) آن با عدل و عرف مخالف است و به نتایج غیر انسانی میرسد و حقوق آن را نمیپذیرد در  
وضوح زیان معنوی تردیدی در امثال مثال فوق وجود ندارد.<sup>۱</sup>

فرصت تقویت شده چنانچه گفتیم می تواند منصرف به تحصیل نفعی در آینده یا اجتناب از ضرری  
در آینده باشد. در باب تقویت فرصت کسب منفعت در ایران سخن راندیم لیکن در باب تقویت فرصت  
اجتناب از ضرر، یکی از دانشمندان به نام حقوق ایران در باب مسئولیت مدنی حرف پزشکی به بحث و  
بررسی موضوع پرداختند و متذکر می گردند که فرض فرصت اجتناب از ضرر با مفهوم «ایجاد خطر»،  
شبییه است،<sup>۲</sup> تعبیر ایشان چنین است که خطاهای صاحبان پزشکی و وابسته، فی نفسه خطراتی بوجود  
میآورند که احتمال این که به ورود ضرر منتهی شود بسیار زیاد است. در واقع با فرض تحقق این  
احتمال، وجود رابطه سببیت بین خطاهای حرفه‌های پزشکی و ورود ضرر به بیمار برقرار است و نهایتاً  
میتوان آنان را به عنوان ایجاد کنندگان موقعیت خطرناک منتهی به ضرر، مسئول دانست. در این  
موارد، بیمار فرصت دارد تا از وقوع ضرر جلوگیری نماید ولی تقصیر صاحبان حرف پزشکی و وابسته،  
باعث از بین رفتن این فرصت میشود. مثلاً در اثر تقصیر پزشک، بیمار فرصت معالجه و شانس  
بهبودی را از دست میدهد.<sup>۳</sup>

در حقوق کشورهای اسلامی، نظام حقوقی کامنلا و خصوصاً در نظام حقوقی فرانسه، این نظریه را  
در حقوق پزشکی به نحوی گسترده قابل اعمال میدانند و بر مبنای آن آرای متعددی صادر شده است،  
به طوری که یکی از مباحث بحث برانگیز مسئولیت مدنی در زمینه رابطه سببیت و مسلم بودن ضرر  
در این قبیل موارد بوده است. در حقوق موضوعه ایران به نظر میرسد این نظریه در مسئولیت مدنی  
حرف پزشکی، صرف نظر از اینکه آن را فرصت از دست رفته یا ایجاد خطر ناروا و تحقق یافته بدانیم،

---

<sup>۱</sup> - کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، جلد اول، قواعد عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم،  
تهران، ۱۳۹۳، ص ۲۸۶.

<sup>۲</sup> - کاتوزیان، ناصر، همان، ص ۲۸۲.

<sup>۳</sup> - صالحی، حمیدرضا، مسئولیت مدنی ناشی از فرآیند درمان، نشر میزان، چاپ اول، تهران، پاییز ۱۳۹۳، ص ۲۹۱.

قابلیت اجرا دارد و با اصول کلی حقوقی و احکام مذهبی نیز مغایرتی ندارد<sup>۱</sup>. در این جا میتوان به استدلال استادبزرگوار، محقق داماد این حقوقدان و مجتهد عالیقدر استناد نمود. ایشان بیان مینمایند که "روشن است که اگر بیمار در فاصله زمانی لازم، انصراف خود را اعلام نکند، به استناد قاعده اتلاف و تسبیب، مسئول جبران خسارت وارده به بیمارستان و زمان ازدسترفته پزشک است." در واقع تسکین یافتن درد بیمار، با وجود فرصت کافی برای جلوگیری از تفویت فرصت پزشک، از بین برنده مسئولیت بیمار نیست و بیمار مسئول جبران خسارت وارده به بیمارستان و زمان ازدسترفته پزشک است. همچنین میفرمایند، اگر بیمار با پزشک و مسئولین بیمارستانی برای انجام عمل جراحی در زمان معین توافق کند و بر اساس آن زمان قرار گیرد، چنانچه به هر دلیلی تصمیم بگیرد، آن عمل را در آن زمان انجام نداده یا در بیمارستان دیگری انجام دهد، از آنجا که قرارداد میان آنها از نوع جعله است و جعله از عقود جایز است، مانعی از فسخ قرارداد از سوی بیمار وجود ندارد، اما وی موظف است تا پیش از پایان یافتن فرصت لازم بیمارستان و پزشک را از تصمیم خود آگاه سازد. روشن است که اگر بیمار در فاصله زمانی لازم، انصراف خود را اعلام نکند، به استناد قاعده اتلاف و تسبیب، مسئول جبران خسارت وارده به بیمارستان و زمان ازدسترفته پزشک است.<sup>۲</sup>

## ۲- وظیفه دولت در عرضه مدیریت آموزشی کارآمد

حق آموزش همگانی از جمله حقوق شهروندان است که در زمره حقوق بنیادین بشر می‌باشد و اعلامیه جهانی حقوق بشر بر این حق تأکید دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملهم از آموزه ها و تعالیم دین مبین اسلام و همسویی با توافقات بین‌المللی بخصوص میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی اقتصادی و اجتماعی که دولت ایران از طریق مرجع قانونگذاری اجازه الحاق به میثاق مذکور را یافته است حق آموزش رایگان و همگانی را برای شهروندان به رسمیت می‌شناسد. البته صرف درج این حق در قانون اساسی کافی و وافی به مقصود نیست زیرا آنچه اهمیت دارد عرضه مدیریت صحیح آموزشی توسط دولت به‌منظور در دسترس قرار گرفتن آموزش برای همگان و وجود مکانیسم‌های اجرایی لازم برای تحقق آن است. براین اساس در ابتدا باید نظری بر تعریف و اهمیت مفهوم مدیریت آموزشی و ارتباط آن با وظیفه دولت در ارائه یک زیرساخت‌ها و مبانی موفق آموزش همگانی بپردازیم:

<sup>۱</sup> - صالحی، حمیدرضا، عباسی، محمود، «تفویت فرصت بهبودی بیمار و ایجاد خطر ناروا و تحقق یافته در پرتو مطالعه تطبیقی»، فصلنامه ی حقوق پزشکی، سال ششم، شماره بیستم، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۱.

<sup>۲</sup> - محقق داماد، سید مصطفی، فقه پزشکی، انتشارات حقوقی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱.

مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...» ۱۱۱

## ۱-۲- تعریف کلی مدیریت

مدیریت را در واژه شناسی به معنای علم و هنر متشکل کردن، کیاست و تدبیر و گردانش و گرداندگی تعریف کرده اند.

مدیریت، یکی از مهمترین علوم عصر جدید محسوب گردیده و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. به طور کلی، مدیریت به موازات پیچیده‌تر شدن و محدود شدن منابع مالی و مادی سازمان‌ها، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مدیریت آموزشی، یکی از جدیدترین شاخه‌های علمی - پژوهشی مدیریت است که اصول و مبانی آن عمدتاً ناشی از مطالعات و پژوهش‌های صاحب‌نظران مدیریت در زمینه تجارت، صنعت و آموزش و پرورش است.<sup>۱</sup>

مدیریت در مفهوم کلی و عام، از دیدگاه‌های متفاوتی تعریف شده است. بر اساس یک دیدگاه مطرح که توسط **ماری پارکر فالت** که یکی از پیشروان رفتار سازمانی و نظریه‌های سازمانی در دوران فعالیت بوده است؛ مدیر هماهنگ کننده و کنترل کننده فعالیت‌های دسته‌جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب سازمان با حداکثر کارایی است.<sup>۲</sup> در تعریف جامع‌تر، مدیریت را هماهنگی منابع انسانی و مادی در جهت تحقق هدف‌های سازمانی گفته‌اند.<sup>۳</sup>

تلقی مدیریت به عنوان "فراگرد" یا "فرایند" نسبتاً تازه‌گی دارد. مفهوم فراگرد، بر شیوه منظم انجام دادن کارها دلالت دارد و به توالی گام‌ها یا عناصری که به هدف خاصی منجر می‌شود، اشاره می‌کند؛ زیرا که همه مدیران، صرف‌نظر از قابلیت‌ها یا مهارت‌های خاص خود، به فعالیت‌های پیوسته و منظمی می‌پردازند تا به هدف‌های معین نایل گردند. نخستین بار سقراط از مدیریت به عنوان فراگرد اجتماعی یاد کرد؛ فراگردی که متضمن یک سلسله وظایف، فعالیت‌ها و روابط متقابل بوده و مناسبات و روابط متقابل افراد در آن نقشی اساسی دارد.<sup>۴</sup>

اصول علم اداره (نظریه فراگرد مدیریت) از جمله رهیافتهای سنتی به مدیریت است در بحبویه سالهای جنگ جهانی اول (۱۲۹۶ هجری شمسی)، هنری فایول مدیر حرفه‌ای، دانشمند و نویسنده فرانسوی مکتب مبتنی بر اصول علم اداره مکتب اصول گرایی در مدیریت را مطرح کرد. وی وظایف مدیریتی را مشتمل بر برنامه ریزی، سازمان‌دهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل می‌دانست. فایول فعالیت‌های مدیریتی را از سایر فعالیت‌های سازمانی متمایز می‌دانست. مطالعات فایول توسط برخی از

<sup>۱</sup>- شیرازی، علی، مدیریت آموزشی، ص ۱۵، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳، چاپ اول.

<sup>۲</sup>- قرائی‌مقدم، امان‌الله؛ مدیریت آموزشی، تهران، ابجد، ۱۳۷۵، چاپ اول، ص ۳۳.

<sup>۳</sup>- صافی، احمد؛ مدیریت و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش، تهران، اداره کل آموزش‌های ضمن خدمت، ۱۳۷۳،

چاپ سوم، ص ۱۳.

<sup>۴</sup>- علاقه‌بند، علی، مقدمات مدیریت آموزشی، ص ۱۵-۱۶، تهران، بعثت، ۱۳۷۴، چاپ هشتم.

صاحب‌نظران اروپیک و گیولیک که وظایف مدیریت را مشتمل بر برنامه ریزی، سازمان‌دهی، کارگزینی، هدایت، هماهنگی، گزارش دهی و بودجه بندی می دانستند پیگیری شد. صاحب‌نظر دیگری که به مکتب "اصول‌گرایی در مدیریت" کمک کرد، مری پارکر فالت بود. در سال ۱۹۳۳ میلادی، در مراسم بزرگداشتی که پس از مرگ وی برپا شده بود از او به عنوان یکی از مهمترین زنان صاحب‌نظر آمریکا در زمینه جامعه شناسی و علوم اجتماعی یاد شد. در نوشته های فالت در مورد سازمانها، جلوه هایی از اهتمام به شناخت گروهها و تعهد عمیق وی به همکاری انسانی در سازمان، مشاهده می‌شود. از دیدگاه او "گروهها"، ساز و کارهایی برای ترکیب تواناییها و استعدادهای افراد گوناگون، جهت ارائه خدمات بهتر تلقی می شوند. وی سازمانها را به مثابه جوامع کوچکی در نظر می گرفت که مدیران و کارکنان باید به‌طور هماهنگ در آنها کار کنند؛ بدون اینکه یکی بر دیگری سلطه ای داشته باشد؛ همچنین، آنها باید بتوانند از طریق گفتگو و حل واقعی اختلافات، تضادهایشان را از میان بردارند. فالت، وظیفه مدیران را کمک به افراد در سازمان به‌منظور همکاری در جهت کسب تلفیقی از منافع می دانست. فالت بر این باور بود که اگر هر یک از کارکنان را مالک بخشی از شرکت کنیم، احساس مسئولیت جمعی ایجاد و تقویت خواهد شد. امروزه نیز این موضوع، تحت عناوینی چون "برنامه های مالکیت کارمند" و "سهیم کردن کارکنان در سود و درآمد" مورد بحث قرار می گیرد. فالت معتقد بود که اشتغال به کسب و کار نوعی خدمت است؛ بنابراین، همواره باید سودهای شخصی را در ارتباط با حسن نیت و رضایت عامه مردم در نظر گرفت.<sup>۱</sup>

## ۲-۲- تعریف مدیریت آموزشی

اصولا آموزش تجربه ای است مبتنی بر یادگیری و به‌منظور ایجاد تغییرات پایدار در فرد تا او را قادر به انجام کار و بهبود بخشی توانایی ها، تغییر مهارتها، دانش، نگرش و رفتار اجتماعی نماید.<sup>۲</sup> مدیریت آموزشی، مترادف با مدیریت به معنای اعم، عبارت از برنامه ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل کلیه امور و فعالیتهای مربوط به آموزش در سازمان می‌باشد.<sup>۳</sup> مدیریت آموزشی به معنی عام، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، هماهنگی و نظارت و ارزشیابی فرایند آموزش تعریف شده است؛ اما مدیریت به معنی خاص، به صورت‌های زیر تعریف می‌شود:

- مدیریت آموزشی، راهنمایی، مددکاری و ایجاد محیط مناسب برای فعالیت آموزشی است.

<sup>۱</sup> - رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.

<sup>۲</sup> - سیدجوادین، سید رضا، مبانی و کاربردهای مدیریت منابع انسانی و امور کارکنان، نشر نگاه دانش، ۱۳۹۴، ص ۲۶۷.

<sup>۳</sup> - شعبانی، حسن، مهارتهای آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱، ص ۱۲.

- مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...» ۱۱۳
- مدیریت آموزشی، فراگردی اجتماعی است که مستلزم ایجاد، نگهداشتن، برانگیختن، کنترل کردن و وحدت بخشیدن نیروهای انسانی و مادی می‌باشد که به‌طور رسمی و غیررسمی در درون یک نظام واحد شکل و سازمان می‌یابند تا هدف‌ها و مقاصد آموزشی را تحقق بخشند.
- مدیریت آموزشی، فرایند هماهنگ کردن استعدادهای آدمی و بهره‌گیری از شرایط محیطی برای اهداف آموزشی است.<sup>۱</sup>

مدیریت آموزش در سازمان‌های آموزشی، شامل برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی طرح‌های آموزشی مورد نیاز برای رشد و توسعه مستمر سازمان و کارکنان است. مدیریت و برنامه ریزی آموزش سازمانی مجموعه وظایف پیچیده‌ای که فرصت یادگیری و شکوفا سازی استعدادهای کارکنان را از طریق تدارک فرصتهای یادگیری در داخل یا خارج سازمان فراهم و این استعدادهای را با نیازهای تخصصی سازمان همسو و منطبق میکند<sup>۲</sup>

## ۲-۳- اهمیت مدیریت آموزشی

امروزه، عصر مدیریت و رهبری است و موفقیت نهادهای و سازمان‌ها تا حد زیادی به کارایی و اثربخشی مدیریت بستگی دارد. ساخت نظام آموزشی هر کشوری دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از نیازهای سازمان‌های رسمی آن کشور بوده و عملکرد نظام آموزش و پرورش که مدیران آموزشی اداره آن را بر عهده دارند، نه تنها از نظر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مهم است، بلکه از نظر تأثیری که بر تحرک شغلی و انتظارات دارد، از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. همچنین آموزش و پرورش، بهترین وسیله، برای ایجاد تغییر ارزش‌ها و رفتارها به‌شمار رفته و باعث می‌شود که افراد، به تناسب استعداد و رغبتی که دارند برای انجام خدمات‌های اجتماعی و اقتصادی و کسب مشاغل و در نتیجه آسایش فردی مهیا شوند. از اینرو، از آغاز قرن اخیر، هیچ کشوری بدون توسعه در مؤسسات آموزشی و مدیران آموزشی تحصیل کرده و مجرب، مراحل توسعه و پیشرفت را طی نکرده است.<sup>۳</sup> با افزایش تعداد دانش‌آموزان در سطوح مختلف آموزشی، تأسیس مدارس و مراکز آموزشی جدید، استخدام معلمان بیشتر و سرمایه‌گذاری بیشتر، ضرورت یافته است. از سوی دیگر، ضرورت در تصمیم‌گیری و

<sup>۱</sup> - صافی، احمد؛ مدیریت و برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش، تهران، اداره کل آموزش‌های ضمن خدمت، ۱۳۷۳.

چاپ سوم، صص ۶۹-۷۰

<sup>۲</sup> - قهرمانی، محمد، مدیریت آموزش سازمانی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۱۵

<sup>۳</sup> - قرائی‌مقدم، امان‌الله؛ مدیریت آموزشی، تهران، ابجد، ۱۳۷۵، چاپ اول، ص ۱۳

۱۱۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی - سال دوازدهم، شماره سوم، بهار ۱۴۰۰

سیاست‌گذاری، بهبود کیفی و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای همگان، نقش خطیر مدیریت نظام آموزشی را بارزتر ساخته است.<sup>۱</sup>

### ۲-۳-۱- هدف های عمده مدیریت آموزشی مطلوب

هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای این است که هر فرد را طبق الگوی ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، دینی و اجتماعی خود تربیت کرده و انسانی متناسب تحویل جامعه دهد. اهداف آموزش و پرورش سه نقش مهم در مدیریت آموزشی ایفا می‌کنند: اولاً به فراگرد آموزش و پرورش جهت می‌دهند، ثانیاً انگیزه‌ی حرکت و فعالیت را به وجود می‌آورند و ثالثاً ملاک‌های کنترل و ارزشیابی فعالیت‌های آموزشی را ایجاد می‌نمایند.<sup>۲</sup>

مدیریت آموزشی، باید قبل از هر چیز اهداف آموزش و پرورش را به خوبی شناخته و آنها را مورد بررسی قرار دهد و به کار بندد که برخی از آنها عبارتند از:

- کمک به افراد سازمان آموزشی برای رسیدن به اهداف آموزش و پرورش
- راهنمایی اعضای سازمان برای تشخیص و درک بهتر هدف‌ها
- راهنمایی، همکاری، کمک، تقویت و حمایت از اعضای سازمان آموزشی
- مشارکت افراد در تصمیم‌گیری و تبادل نظر آنها و ایجاد مسئولیت‌های مشترک در سازمان آموزشی
- ایجاد روابط انسانی مطلوب و احترام متقابل بین مدیر و اعضای سازمان آموزشی
- شناخت نیازها و حل مشکلات دانش‌آموزان به منظور دستیابی به اهداف آموزشی
- توجه به تفاوت‌های فردی و کمک به کشف و بروز استعدادها و دانش‌آموزان
- کمک و یاری به بهبود و اصلاح فرآیند آموزش و پرورش
- فراهم نمودن امکانات و زمینه مساعد برای بروز خلاقیت و ابتکار، به منظور رشد و بلوغ فکری اعضای سازمان
- ایجاد هماهنگی بین منابع و فعالیت‌های سازمان آموزشی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - جهانیان، رمضان؛ مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، کرج، سرفراز، ۱۳۸۷، چاپ اول، ص ۲۷

<sup>۲</sup> - مقدمات مدیریت آموزشی، پیشین، صص ۱۴۱ - ۱۴۰.

<sup>۳</sup> - قرائی مقدم، امان‌الله؛ مدیریت آموزشی، پیشین، صص ۴۸ - ۴۴.



## ۲-۳-۲- نتیجه و کارکرد مدیریت مطلوب آموزشی

فراگرد مدیریت را غالباً به کارکردها یا وظایف مدیریت تفکیک و تجزیه می‌کنند. منظور از کارکرد، فعالیتی مهم و اساسی است که در نیل به هدف، ضرورت دارد.<sup>۱</sup> هنری فایول، اولین کسی که وظایف مدیریت را تقسیم کرده، معتقد است وظایف اساسی مدیریت عبارتند از:

- برنامه‌ریزی: یعنی تعیین هدف، یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به هدف را امکان‌پذیر می‌سازد و همچنین پیش‌بینی کارهایی که باید در آینده انجام گیرد.
- سازمان‌دهی: یعنی ترکیب و تخصیص افراد، منابع و امکانات میان افراد و واحدهای مختلف سازمان و همچنین هماهنگی بین آنها به منظور رسیدن به اهداف سازمان.
- فرماندهی: یعنی هدایت و جهت‌دهی افراد در انجام دادن کارها.
- هماهنگی: یعنی به هم پیوستن و وحدت بخشیدن همه امکانات و منابع مادی و انسانی و همچنین فعالیت‌ها که برای رسیدن به هدف سازمان ضرورت دارد.
- کنترل کردن: یعنی رسیدگی به اینکه آیا کلیه برنامه‌ها و عملیات انجام شده طبق مقررات و دستورات صورت می‌گیرند یا خیر.<sup>۲</sup>

## ۳. مسئولیت دولت در برابر عملکرد نامناسب مدیریت آموزشی نهادهای دولتی

طبق یکی از نظریات رایج در خصوص منشاء تشکیل دولت، انسان بدواً در حالت طبیعی زندگی می‌کرده و از آزادی کامل و بدون محدودیت برخوردار بوده... و چون افراد بشر در وضع طبیعی در مخاطرات زیادی قرار داشتند و نمی‌توانستند به تنهایی بر آن مشکلات غلبه نمایند، لذا برای مقابله با قدرت قاهره طبیعت به سمت همکاری و تشریک مساعی سوق داده شدند و در طی این طریق به انعقاد قرارداد اجتماعی و تشکیل دولت رسیده‌اند.<sup>۳</sup>

تا اواخر قرن نوزدهم میلادی هیچگونه اعتقادی به پاسخگویی دولت و مسئولیت وی در برابر مردم وجود نداشت. از این تاریخ به بعد بود که آثار و نشانه‌های پذیرش مسئولیت توسط دولت به

<sup>۱</sup> -مقدمات مدیریت آموزشی، پیشین، ص ۱۸

<sup>۲</sup> -قرائی مقدم، امان‌الله؛ مدیریت آموزشی، پیشین، ص ۵۰

<sup>۳</sup> -مدنی، سیدجلال‌الدین، کلیات حقوق اساسی، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۷۶، ص ۵۸

۱۱۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی - سال دوازدهم، شماره سوم، بهار ۱۴۰۰

چشم می‌خورد.<sup>۱</sup> در دوران نوین بیشتر نظام‌های حقوقی دولت را مسئول دانسته‌اند تا به قایم مقامی از عاملین ورود ضرر خسارت قربانیان را جبران نماید.

در اختیار داشتن فرصت آموزش حق شهروندان است و دولت‌ها موظف به اجرای عدالت اجتماعی در آموزش همگانی و تعلیم و تربیت صحیح اتباع خویش هستند. این وظیفه دولت ایران براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی و نیز بر اساس منشور حقوق بشر که دولت ایران آن را امضا کرده است یک التزام قانونی است و بنابراین دولت در برابر تقصیر و سوءمدیریت نهادهای وابسته به خود و خسارات ناشی از تفویض فرصت آموزشی شهروندانش مسئولیت قطعی دارد. مسئولیت دولت بعنوان یک شخصیت حقوقی مسئولیت ذاتی است و از آنجا که به واسطه فعل شهروند بار میشود مسئولیت تبعی نامیده میشود.

**ما در ادامه با تعریف نهاد دولت و عرضه مفهوم حقوقی «مسئولیت تبعی» به بررسی تعارضات حقوقی این مفهوم و راه حل‌های آن در ارتباط با فوت فرصت آموزشی شهروندان، حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی می‌پردازیم.**

### ۳-۱- تعریف مفاهیم دولت و حکومت

دولت<sup>۲</sup> و حکومت<sup>۳</sup>؛ کلماتی که روزانه بارها آنها را تکرار می‌کنیم و ممکن است عده زیادی این کلمات را معادل یکدیگر بدانند. ولی در واقع این مفاهیم تعاریف متفاوتی دارند. دولت، عالی‌ترین مظهر رابطه قدرت و حاکمیت است که در همه جوامع وجود داشته و مفهوم دولت در معنایی گسترده‌تر از نهادهای قانون‌گذاری و اجرایی حکومت به کار می‌رود، اقتدار دولت در درون کشور، منحصر به فرد و بی‌نظیر است. تقسیم حاکمیت به معنای تقسیم دولت خواهد بود. قدرت، منبع مورد استفاده دولت است، مهم‌ترین وجه حاکمیت دولت، وضع و اجرای قوانین در جامعه است. دولت در هر جامعه‌ای نماد مصلحت عمومی است و دارای کارویژه‌های متفاوتی از جمله حفظ

---

<sup>۱</sup> - حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، نشر مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ اول، سال ۱۳۷۷، ص ۳۰

<sup>۲</sup> - state

<sup>۳</sup> - Government

مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...» ۱۱۷  
نظم و امنیت، حراست از حقوق طبیعی افراد جامعه، ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی، تامین حداقل رفاه و آسایش و سایر موارد این چینی است.<sup>۱</sup>

حال آنکه مفهوم حکومت می‌تواند متمایز از مفهوم دولت باشد. حکومت گروهی مشخص از مردم، دیوان سالاران اداری است که وظیفه اداره کردن کارهای دولت را در دوره‌ای که به آن اختصاص دارد بر عهده دارند. با این اوصاف، می‌توان گفت، حکومت‌ها ابزاری هستند که قدرت دولت از طریق آن‌ها به کار بسته می‌شود. دولت‌ها توسط حکومت‌های مختلفی که از پی هم می‌آیند، اداره می‌شوند؛ بنابراین مفهوم حکومت، محدودتر از مفهوم دولت است، زیرا حکومت وسیله تحقق هدف‌های دولت و ابزار و نماینده آن است.<sup>۲</sup> وضع قوانین و اجرای آن‌ها کارویژه اصلی حکومت است. بعلاوه حکومت و نهادهای حکومتی جدید، جز این کارویژه‌های اولیه، به‌منظور حفظ نظم و امنیت و تامین عدالت قضایی، وظایفی در زمینه توسعه و تامین رفاه اجتماعی نیز بر عهده گرفته‌اند. وضع و خرج هزینه‌های عمومی و بودجه‌گذاری، تامین درآمدهای حکومتی از منابع مختلف و انجام خدمات عام‌المنفعه، جزء فرایندهای حکومت در هر جامعه‌ای است. همچنین تقسیم وظایف میان نهادهای حکومتی، بستگی به سازمان‌دهی حکومت دارد و دستگاه اداری جزء عمده‌ای از حکومت محسوب می‌شود.<sup>۳</sup>

### ۳-۲- مسئولیت ذاتی و تبعی دولت

فلسفه وجودی دولت ارایه خدمت به شهروندان و تدارک امکانات و برنامه‌های راهبردی مناسب در توان متد سازی آنها است. دولت با در دست داشتن امکانات اجرایی مؤثر، سیستم اطلاعاتی، نیروی پلیس و ارگان‌های اجرایی و تشکیلات تعاون و بیمه و خصوصاً امکان تشکیل بیمه‌های اجباری و

---

<sup>۱</sup>- بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی. تهران، موسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۲، ص ۲۳

<sup>۲</sup>-Bealey, Frank, ed. (1999). "government." [The Blackwell dictionary of political science: a user's guide to its terms](#). Wiley-Blackwell. p. 147.

[ISBN.۸-۲۰۶۹۵-۶۳۱-۰-۹۷۸](#)

<sup>۳</sup>-بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی.؛ پیشین، ص ۳۸

تخصیص بودجه در کمک به شهروندان در جبران ضرر در همه موارد منجمله جبران خسارت مجنی علیهم باید مردم را یاری نماید.<sup>۱</sup>

روح کلی قواعد و مقررات شرعی دلالت بر لزوم حل معضلات افراد از طریق تعاون و همیاری دارد. یکی از فلسفه‌های ضمان عاقله در پرداخت دیه در قتل یا جرح ناشی از خطای محض نیز همین است که چنان چه فردی بدون تقصیر و به واسطه خطای محض مرتکب قتل شود تحمیل پرداخت دیه کامل منحصر به شخص او با منطبق و انصاف سازگار نیست خصوصاً در مواردی که پرداخت دیه کامل خارج از توان اوست. روحیه تعاون و همیاری ایجاب می‌کند که چنان چه فردی از یک قبیله بدون تقصیر و به واسطه خطای محض مسئول پرداخت دیه کامل شده است این مسئولیت بین مردان قبیله یا عقال قوم تقسیم شود تا هریک با پرداخت حصه اندکی از دیه را بدون تحمل مشقت و بروز حرج به صورت جمعی پرداخت نمایند. نصوص مبارکه قرآنی منجمله آیه شریفه ... و تعاونوا علی البر و التقوی نیز موید تأسیس بنای تعاون و همیاری در رفع مشکلاتی است که بدون تقصیر متوجه افراد می‌شود.

اگر روح قواعد شرعی و هم چنین نصوص صریح قرآن کریم و سنت رسول مکرم اسلام (ص)، مردان یک قبیله را ضامن می‌داند تا در قالب تعاون به یاری احد از افراد قبیله که بدون تقصیر متعهد به پرداخت مبلغ کلانی دیه است بشتابند در مقیاس وسیع‌تر مسئولیت سامان دهی این تعاون در کشور با دولت است.

با عنایت به فلسفه وجودی دولت که وظیفه خدمت رسانی و مساعدت شهروندان و تک تک اتباع است، حتی اگر دلیل و مبنای دیگری نیز در کار نباشد دولت موظف است با توجه به امکانات وسیع خود در ایجاد امنیت و جلوگیری از بروز ضرر، نسبت به جبران ضرر مجنی علیهم و تسکین الام متضررین از جرایم و بازماندگان مقتولین به نحو فوراقدام نماید. ممکن است ایراد شود که حاکمیت قاعده شخصی بودن مسئولیت‌ها توجه مسئولیت اشخاص حقیقی و افراد حقوقی به شخص دولت را منتفی می‌نماید. پاسخ این است که دولت با توجه به فلسفه وجودی خود مکانیزمی را باید به وجود آورد تا متضررین از جرایم و مال باختگان در اخذ خسارت از جانپان و افراد شرور یاری شوند. دولت در قالب مساعدت و خدمت رسانی به قایم مقامی از وارد کنندگان ضرر جبران خسارت می‌نماید و لازم نیست که راساً و از جیب خود این هزینه‌ها را پرداخت نماید. دولت می‌تواند با تأسیس صندوق‌های تعاون و حمایت و تامین منابع مالی از طریق مکانیزم‌های مناسب مانند بیمه‌های ویژه و واریزی وجوه

<sup>۱</sup> - ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی

مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...» ۱۱۹  
وصول شده از منابع مردمی و خصوصاً مبالغ جرایم دریافت شده مرتبط با جرایم عمدی و نحو آن و یا  
افزودن درصد ناچیزی به مالیات برای تامین بودجه این صنوق‌های دولتی یا شبه دولتی به راحتی  
خسارات وارده به اتباع را جبران و متعاقباً به خود ضرر زننده و مسئول بروز خسارت مراجعه نموده و با  
توجه به امکانات وسیع اجرایی سریعاً خسارت پرداختی به متضررین را وصول نماید. فی الواقع نقش  
دولت تسهیل تدارک ضرر متضررین است.

در آثار حقوق دانان غربی نظریه‌ای در تاریخ حقوق به چشم می‌خورد که سلطان و حاکم از  
مسئولیت مبرا است<sup>۱</sup> لذا از هرگونه سؤال و مواخذه مصون است. تئوری مصونیت حاکم از پرداخت  
غرامت باعث می‌شد که خسارت تعداد بیشماری از شهروندان که بر اثر اجرا شدن خدمات دولتی و  
اعمال تصدی و حاکمیتی متضرر می‌شوند بلا جبران باقی بماند.<sup>۱</sup>

از طرفی تئوری مذکور نه تنها در تعارض با قواعد و مبانی مسئولیت مدنی است بلکه مسئولیت  
ذاتی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. مضافاً این که تئوری مزبور باعث می‌شود که صاحب منصبان،  
صاحبان قدرت و متصل شدگان به ریسمان عریض و طویل تشکیلات حکومتی در نحوه برخورد با  
شهروندان خود را مبسوط الید و مصون از مسئولیت دانسته و افسارگسیختگی اجتماعی به وجود آورده  
و عدالت اجتماعی را خدشه دار نمایند.<sup>۲</sup>

با بروز تحول فکری و فرهنگی در ملل مختلف و خصوصاً بعد از احصاء شدن حقوق فردی و  
اجتماعی افراد در حیطه بین‌المللی تئوری غیر قابل سؤال و مواخذه بودن دولت‌ها غیر قابل تحمل و  
نتیجتاً تا حدود زیادی منسوخ گردید به گونه‌ای که این تئوری متروک و مربوط به گذشته‌های دور  
تلقی شد.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup>-Cambridge Studies in International and Comparative Law, University of  
Bristol. (No. 69), (s) 1.1

<sup>۲</sup>-See Allen M. Linden Linden, city, United States

Linden, city (1990 pop. 36,701), Union co., NE N.J., in the New York metropolitan  
area; inc. 1925. During the first half of the 20th cent & Bruce Feldthusen, Canadian  
Tort Law, 8th ed. (Toronto: Butterworth, 2006) at 673-75; Peter Hogg, "Government  
Liability :Assimilating as·sim·i·late

v. as·sim·i·lat·ed, as·sim·i·lat·ing, as·sim·i·lates

<sup>۳</sup>-See e.g. Peter W. Hogg & Patrick J. Monahan Patrick J. Monahan is the Dean  
of Osgoode Hall Law School of York University in Toronto, Canada, as well as  
an Affiliated Scholar with the law firm Davies Ward Phillips & Vineberg LLP.,  
Liability of the Crown, 3rd ed. (Toronto: Carswell, 2000) at 110.

در کلیه نظام‌های حقوقی اصل بر این است که هر کس ضامن افعال خویش است و مسئولیتی در فبال فعل زیان‌بار دیگران ندارد. در حقوق اسلام این اصل مبتنی بر نصوص مبارکه قرآن کریم است که می‌فرماید لاتزروا وازره ووزر اخری و کل نفس بما کسبت رهینه و... می‌باشد.

در حقوق انگلستان نیز اصولاً مسئولیت جبران خسارت به شخص فاعل فعل زیان‌بار تحمیل می‌شود و به عنوان یک قاعده کلی: "اصطلاحاً هر فردی مسئول اعمال شخص خودش می‌باشد".

تبعی دولت‌ها به عنوان یک ضرورت، استثنایی بر قاعده کلی شخصی بودن مسئولیت است و مبنای توجیهی آن: لزوم مساعدت افراد زیان‌دیده‌ای است که بهر علت منجمله عدم استطاعت مالی فاعل فعل زیان‌بار و هم چنین فرار یا عدم شناسایی او قادر به وصول خسارت متحمله نیستند و یا در وصول مطالبات به‌موقع با عسرت و مشکلات عدیده مواجه‌اند.

مسئولیت تبعی دولت که در فقه شیعه از آن به عنوان مسئولیت مدنی امامیاد شده منجمله مبتنی بر قواعد احترام مال و جان مسلم، لزوم تدارک ضرر و رفع عسر و حرج و هم چنین قاعده معد بودن بیت‌المال در اعانه به مردم است.

این ضرورت اجتناب ناپذیر در دیگر نظام‌های حقوقی خصوصاً بعد از انقلاب صنعتی باعث گردیده که مسئولیت تبعی دولت‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردد.

سیستم کامن لای انگلستان (شامل کانادا، استرالیا و نیوزلند و تا حدود کمتری ایالات متحده آمریکا)، حقوق رومن (مثلاً حقوق فرانسه) و نهایتاً حقوق ژرمن (مانند حقوق آلمان) با عبور از مرزهای قواعد سنتی مسئولیت تبعی که فی الواقع مسئولیت در قبال افعال دیگران است<sup>۱</sup> را در شرایط خاصی پذیرفتند. نمونه و مصداق بارز مسئولیت در قبال افعال دیگران مسئولیت دولت‌ها در ازای افعال زیان‌بار شهروند و اتباع خویش است.

### ۳-۳- مبانی مسئولیت تبعی دولت

---

<sup>1</sup>... "The common law (including Canada, Australia, New Zealand and to a limited extent, the United States), the Romanist (here, France) and Germanic (here, Germany) system.... Cross legal boundaries and an area of law...

[I]n these post-industrialized States ... [t]he term 'vicarious liability' derives from the common law, and civilian systems will generally refer to 'liability for the acts of others'." See (s) 1.1 of P. Giliker *ibid*.

مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...» ۱۲۱

دولت با در اختیار گیری بیت المال در ارایه خدمات مساعدتی به مردم مسئولیت شرعی پیدا می‌کند و جدای از فلسفه کلی دولت که ارایه خدمت به مردم و حل معضلات آنان است یکی از مبانی اساسی دولت در مسئولیت قایم مقامی آن نسبت به اتباع بهرمندی دولت از منابع مالی و بیت المال است.

مسئولیت دولت در یاری ضرر دیدگان و در راه ماندگان با استفاده از بیت المال که فلسفه کلی آن مساعدت به نیازمندان است مبتنی بر قرآن کریم است. آیه شریفه ۹۳ از سوره مبارکه نساء آنچنان اهمیتی برای حفظ جان انسان‌ها قایل است که کشتن یک فرد را به مثابه کشته شدن جمیع ابنای بشر می‌داند؛ و پر واضح است که یکی از وجوه ممیزه این آیه شریفه جلوگیری از هدر رفتن خون افراد و پرهیز از بلا پرداخت ماندن خون بهای آنان است.

آیه شریفه «انما الصدقات للفقراء و المساکین و الغارمین و عانلین علی‌ها» دلالت دارد که دولت اموال عمومی و درآمد ناشی از صدقات (مالیات) را باید در جهت حل گرفتاری‌های مردم و ادای بدهی غارمین (بدهکاران معسر) به کار ببندد.<sup>۱</sup>

از رسول مکرم اسلام دو نوع حدیث وارد شده است که هر دو نوع دلالت بر مسئولیت رییس کشور یا ولی امر در پرداخت دیه و بدهی‌های بلا پرداخت افراد دارد. این احادیث به تواتر توسط شیعه و اهل سنت نقل و مورد استناد واقع شده‌اند. دسته اول احادیث دایر بر حرمت خون مسلم است و اگر فردی کشته شود و قاتل او مشخص نباشد و یا به علت اعسار قاتل "دیه" مقتول بلاپرداخت بماند ولی مسلمین باید راساً نسبت به پرداخت خون بهای مقتول اقدام نماید. از پیامبر اسلام به تواتر نقل شده است که در توجیه این مسئولیت ولی امر فرمودند لا یبطل دم امرء مسلم.<sup>۲</sup> یعنی خون مسلمان هدر نمی‌رود. صد البته شمول سخن رسول مکرم اسلام (ص) هدر نرفتن مطلق خون‌ها صرفنظر از دین و نژاد آنهاست و به نحو عام شامل خون انسان ولو غیر مسلمان است.

<sup>۱</sup> -سوره مبارکه ۱۰، آیه شریفه ۶۰.

<sup>۲</sup> - شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، استبصار، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ه ق، ج ۴، ص ۲۶۳.

۱۲۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی - سال دوازدهم، شماره سوم، بهار ۱۴۰۰

روایات وارده از معصومین علیهم السلام به تاسی از قرآن کریم و احادیث وارده از رسول مکرم اسلام ولی امر مسلمین را علی لاطلاق مسئول پرداخت دیون و دیه‌های قتل و جرح بلاپرداخت افراد می‌دانند. این روایات به تناسب در شرح و بسط دیگر مبانی مسئولیت قایم مقامی امام یا دولت مانند قواعد من له الغنم فعلیه الغرم و الحاکم ولی الممتنع آورده شده است. به عنوان مثال در روایت ابوبکر از امام صادق (ع) یکی از قضاوت‌های علی علیه السلام را نقل می‌فرماید که در ارتباط با فردی که در ازدحام کشته شده و قاتل او شناخته نشد دستور دادند که دیه مقتول از بیت المال به وراث او پرداخت شود. امام علیه السلام فلسفه این مسئولیت را در لزوم تدارک ضرر قلمداد نمودند که اگر هیچ منبع و مسئولی برای این تدارک ضرر موجود نباشد و فی الواقع تدارک ضرر به طریق معمول ممتنع باشد مسئولیت جبران ضرر به عهده زمامدار و امام است زیرا به همان طریق که ارث فرد بلا وارث بامام تعلق دارد مسئولیت پرداخت دیه هم به عهده امام است (لان میراثه للامام فکذالك تکون دیتة علی الامام).<sup>۱</sup>

### نتیجه گیری

در اختیار داشتن فرصت آموزش حق شهروندان است و دولت‌ها موظف به اجرای عدالت اجتماعی در آموزش همگانی و تعلیم و تربیت صحیح اتباع خویش هستند. این وظیفه دولت ایران براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی و نیز بر اساس منشور حقوق بشر که دولت ایران آن را امضا کرده است یک التزام قانونی است و بنابراین دولت در برابر تقصیر و سوءمدیریت نهادهای وابسته به خود و خسارات ناشی از تفویض فرصت آموزشی شهروندان مسئولیت قطعی دارد.

مطالعه در نظام حقوق مسئولیت مدنی دولت در جمهوری اسلامی ایران مبین آنستکه دولت در قوانین و مقررات پراکنده‌ای مسئولیت برخی از کارکنان و افراد نظیر قضات، کارکنان نیروهای مسلح، اعضاء هیات واگذاری سهام شرکتها و افراد فراری را به عهده گرفته و در خصوص سایر کارمندان صرفاً طبق شرایط ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی یعنی در صورت ورود خسارت توسط کارمندان ناشی

---

<sup>۱</sup> - وسائل الشیعه ج ۱۹ ص ۱۰۹. ابو بکیر عن ابی عبدالله (ع) قال: قضی امیر المومنین (ع) فی رجل وجد مقتولا لا یدری من قتله، قال: ان کان عرف له اولیاء یطلبون دیتة من بیت المال المسلمین و لا یبطل دم امرء مسلم لان میراثه للامام فذالك دیتة علی الامام...؛ و قضی فی رجل زحمة الناس یوم الجمعة فی زحام الناس فمات ان دیتة من بیت المال المسلمین. {تاکید اضافه شده است}. همچنین ملاحظه فرمایید: بحر العلوم، سید محمد، بلغة الفقیه، انتشارات مکتبه الصادق، تهران ۱۴۰۳ ه ق، ج ۴ ص ۲۳۱.



مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی...» ۱۳۳۱  
از نقص وسایل اداره، اقدام به پذیرش مسئولیت نموده است و از این حیث در نظام حقوقی ما، خلأ قانونی وجود دارد. به عنوان مثال سالهاست در اثر فعالیتهای دولت و کارکنانش خسارت زیادی به اشخاص وارد می‌آید و یا افراد بیگناهی به زندان و بازداشت محکوم میشوند و... و هیچ مرجعی مسئولیت اینگونه خسارات را به عهده نمی‌گیرد. بنابراین لازم است در یک قانون عام و کلی موضوع مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن به صورت مشخص و معین پیش‌بینی گردد. مسئولیت دولت بعنوان یک شخصیت حقوقی مسئولیت ذاتی است و از آنجا که به واسطه فعل شهروند بار میشود مسئولیت تبعی نامیده میشود. با ایجاد تحول در نظام حقوقی انگلستان، قاعده‌ای که بر اساس آن دولت از مسئولیت مبرا بود منسوخ و آرام آرام جای خود را به مسئول بودن دولت در جبران خساراتی که عمال و کارکنان دولتی در اثنای اعمال اقدامات حاکمیتی به شهروندان و اموال آنان وارد می‌کنند داد. بعد از این تحول دولت همانند هر فرد حقیقی یا حقوقی دیگر نسبت به اعمال خود مسئولیت مدنی پیدا کرد. در نظام حقوقی اسلام نیز هیچگونه دلیلی که حاکم را از مسئولیت ناشی از افعال زیان‌بار عمال و کارکنان مبرا کند بچشم نمی‌خورد و طبق اصول کلی حاکم مانند هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر دارای مسئولیت مدنی است. مع الوصف موضوعی که در این نوشته تخصصاً بررسی گردید مسئولیت دولت در قبال ضررهای وارده از جانب شهروندانی است که بهر دلیل قادر به جبران ضررهای وارده از ناحیه خود نیستند. مسئولیتی ماورای مسئولیت ذاتی و شخصی خود دولت، مسئولیتی که از آن به عنوان "مسئولیت قایم مقامی" یا "مسئولیت نیابتی" یاد شده است.

مقوله مسئولیت تبعی در بدو امر مغایر با اصل شخصی بودن مسئولیت‌ها به نظر می‌رسد. بر اساس یک تحلیل مسئولیت قایم مقامی دولت فی الواقع نوعی از مسئولیت شخصی و ذاتی دولت است و استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت تلقی نمی‌شود. وفق این تحلیل دولت راساً ضامن ایجاد امنیت اجتماعی و پرورش اتباع یا ساکنان آن کشور است بر اساس این نظریه مسئولیت بلاپرداخت ماندن ضررها توسط عاملین افعال زیان‌بار به واسطه قصور دولت در تأمین عملی عدالت اجتماعی و متوجه شخص دولت است و مغایرتی با اصل شخصی بودن مسئولیت ندارد.

نتیجه عملی مباحث مطروحه در این مقاله اینست که بر اساس اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی و نیز تعهدات بین‌المللی، عرضه یک مدیریت آموزشی کارآ و مؤثر و فراگیر از وظایف حکمرانی دولت ایران است، یعنی عرضه مجموعه‌ای منسجم از دانش حاصل از کاربردرش علمی به‌منظور توصیف خصوصیات و تبیین عناصر سازمانی و روابط فی‌مابین آنها در سازمان‌های آموزشی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است. حال اگر شهروندان در اثر عدم کارایی مدیریت آموزشی نهادهای دولتی دچار فوت فرصت و زیان ناشی از آن شده باشند؛ دولت در برابر آن موارد نیز مانند سایر موضوعات مشابه مسئولیت مدنی دارد.

### منابع فارسی:

- ۱- امینی، منصور و ناطق نوری سوده، «مطالعه تطبیقی نظریه از دست دادن فرصت» بررسی اجمالی حقوق اروپا و ایالات متحده امریکا، پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰ صفایی، سیدحسین، حقوق مدنی، اشخاص و ۲- اموال، جلد اول، میزان، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۹۰.
- ۳- بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی. تهران، موسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۲
- ۴- بهاری اردکانی، ابوالفضل، سلیمان، ابوالفضل، هاشمی باجگانی، جعفر، «مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست رفته»، فصلنامه یی مجلس و راهبرد، سال ۲۳، شماره یی ۸۶، تابستان ۱۳۹۵.
- ۵- جهانیان، رمضان؛ مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، کرج، سرفراز، ۱۳۸۷، چاپ اول.
- ۶- حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، نشر مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ اول، سال ۱۳۷۷.
- ۷- رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- ۸- سیدجوادین، سید رضا، مبانی و کاربردهای مدیریت منابع انسانی و امور کارکنان، نشر نگاه دانش، ۱۳۹۴.
- ۹- شعبانی، حسن، مهارتهای آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- ۱۰- شم آبادی، حسن، «مسئولیت مدنی تفویت فرصت در حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹.
- ۱۱- شیرازی، علی، مدیریت آموزشی، ص ۱۵، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳، چاپ اول.
- ۱۲- صافی، احمد؛ مدیریت و برنامه ریزی در آموزش و پرورش، تهران، اداره کل آموزش های ضمن خدمت، ۱۳۷۳، چاپ سوم.
- ۱۳- صالحی، حمیدرضا، عباسی، محمود، «تفویت فرصت بهبودی بیمار و ایجاد خطر ناروا و تحقق یافته در پرتو مطالعه تطبیقی»، فصلنامه یی حقوق پزشکی، سال ششم، شماره بیستم، بهار ۱۳۹۱.

- مسئولیت مدنی نهادهای آموزشی دولت ناشی از فوت فرصت «حاصل از عدم مدیریت صحیح نهادهای دولتی ...» ۱۲۵
- ۱۴- صالحی، حمیدرضا، مسئولیت مدنی ناشی از فرآیند درمان، نشر میزان، چاپ اول، تهران، پاییز ۱۳۹۳.
- ۱۵- علاقه‌بند، علی، مقدمات مدیریت آموزشی، ص ۱۵-۱۶، تهران، بعثت، ۱۳۷۴، چاپ هشتم.
- ۱۶- قرائی مقدم، امان‌الله؛ مدیریت آموزشی، تهران، ابجد، ۱۳۷۵، چاپ اول.
- ۱۷- قهرمانی، محمد، مدیریت آموزش سازمانی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، دوره عقود معین، مشارکتها-صلح، جلد دوم، گنج دانش، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۹، ش ۱۵۲.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۸۳.
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، جلد اول، قواعد عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۹۳.
- ۲۱- کاظمی، محمود، «نظریه از دست دادن فرصت در مسئولیت مدنی»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۳، پائیز ۱۳۸۰.
- ۲۲- محقق داماد، سید مصطفی، فقه پزشکی، انتشارات حقوقی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
- ۲۳- مدنی، سیدجلال‌الدین، کلیات حقوق اساسی، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۷۶.
- ۲۴- قران مجید
- ۲۵- قانون مجازات اسلامی

## منابع عربی

- ۱- بحر العلوم، سید محمد، بلغه الفقیه، انتشارات مکتبه الصادق، تهران ۱۴۰۳ ه ق، ج ۴.
- ۲- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، استبصار، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ه ق، ج ۴.
- ۳- صاحب عبید، الفتلاوی، مصادر الالتزام، مطبعه دار الجمال، الطبعة الاولى، عمان، ۲۰۱۴.
- ۴- عاملی، محمد بن مکی، معروف به شهید اول: لمعه دمشقیه فی فقه الامامیه (به تصحیح محمد تقی و علی اصغر مروارید)، دارالتراث و درالاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۰، بیروت، ص ۸۹، عاملی، محمدبن جمال الدین مکی.

١٢٦ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی - سال دوازدهم، شماره سوم، بهار ١٤٠٠

- ٥- الفیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، معجم القاموس المحيط، الطبع الثالثه، بیروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر، ٢٠٠٨.
- ٦- محمود محسنی، لعمه دمشقیه، جلد اول، انتشارات پیام نوآور، چاپ اول.
- ٧- موسوی خمینی، روح ا...، بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ١٤١٥ ه. ق، ص ٦١. (اما معنی "الضرر" فهو معروف لدى العرف).
- ٨- وسائل الشیعه ج ١٩.

### منابع انگلیسی

1. Bealey, Frank, ed. (1999). "government ."The Blackwell dictionary of political science: a user's guide to its terms. Wiley-Blackwell. p. 147 . ISBN ٠-٢٠٦٩٥-٦٣١-٠-٩٧٨
2. Cambridge Studies in International and Comparative Law ,University of Bristol. (No. 69), (s) 1.1
3. See Allen M .Linden Linden, city, United States
4. Linden, city (1990 pop. 36,701), Union co., NE N.J., in the New York metropolitan area; inc. 1925. During the first half of the 20th cent & .Bruce Feldthusen, Canadian Tort Law, 8th ed. (Toronto: Butterworth, 2006) at 673-75; Peter Hogg, "Government Liability :Assimilating as·sim·i·late
5. v. as·sim·i·lat·ed, as·sim·i·lat·ing, as·sim·i·lates
6. See e.g. Peter W. Hogg& Patrick J. MonahanPatrick J. Monahan is the Dean of Osgoode Hall Law School of York University in Toronto, Canada, as well as an Affiliated Scholar with the law firm Davies Ward Phillips & Vineberg LLP., Liability of the Crown, 3rd ed. (Toronto: Carswell, 2000) at 110.
7. The common law (including Canada, Australia, New Zealand and to a limited extent, the United States), the Romanist (here, France) and Germanic (here, Germany) system. ... Cross legal boundaries and an area of law...
8. in these post-industrialized States ...[t]he term 'vicarious liability' derives from the common law, and civiliansystems will generally refer to 'liability for the acts of others'." See (s) 1.1 of P. Giliker ibid.